

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary – Cultural

ادبی - فرهنگی

فرستنده: جهانگیر

۱۰/۱۱/۰۴

هوای آزاد

ادبیات و هنر

کوتاه مثل آه/ کیوان باژن



«هنر و اندیشه ای که بر مبنای ایدئولوژی مبارزه نوین شکل یابد،
هرگز تحمیلی و کلیشه ای نمی تواند باشد. زیرا فلسفه علمی، جهان
را از دیدگاه تغییر و تحول می نگرد و آن چه، در پروسه تغییر و تحول
قرار گیرد گوناگون و وسیع است و انسان را به کشف عناصر تازه ای در
طبیعت و انسان، رهنمون می شود.»

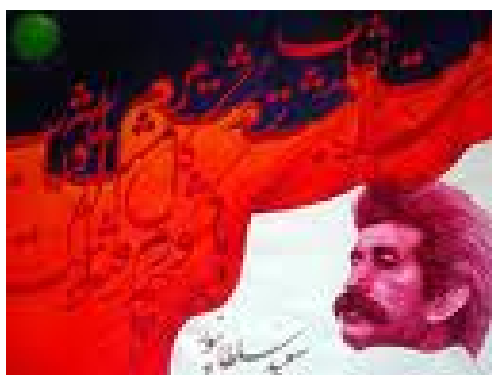
«سعید سلطانیپور» - چریک فدائی خلق- (متولد ۱۳۱۹)، شاعر برخاسته از مردم «سبزوار» و از چهره های شاخص
تئاتر «ایران» که چهره فرهیخته اش، چون بسیاری از چهره های فرهیخته این مرز و بوم، در دایره ای از تنگ
نظری های سیاسی و غیر سیاسی مخدوش مانده است، با گذراندن دوره هنرکده «اناهیتا» از سال (۱۳۳۹) تا
(۱۳۴۹) بازیگر تئاتر «اناهیتا» شد و در سال (۱۳۴۴) با «مهین اسکویی» در کارگردانی نمایش نامه «سه خواهر»،
اثر «آنتون چخوف» هم کاری کرد.

رفیق شهید «سعید سلطانیپور» هم چنین در «دانشکده تئاتر هنرهای زیبا ی دانشگاه تهران» دوره تئاتر را گذراند و در
سال های دانشجویی نمایشنامه های «مرگ در برابر» اثر «وسلین هنگف» و «ایستگاه» نوشته خود را کارگردانی
کرد.

او سپس با هم کاری «ناصر رحمانی نژاد»، انجمن تئاتر ایران را در سال (۱۳۴۷) بنیاد گذاشت. اجرای نمایشنامه
«دشمن مردم» اثر «هنریک ایبسن»، «آموزگاران» اثر «محسن یلفانی» و «چهره های سیمون ماسار» اثر «برتولت

برشت» از فعالیت های انجمن تئاتر ایران است. اجرای تمام این نمایش ها یا به بازداشت کارگردان، نویسنده و هنرپیشه ها انجامید یا قرق و بستن سالن نمایش.

ساواک سالن نمایش «دشمن مردم» را پس از یازده شب اجراء، با هم کاری شعبه خود در دانشگاه (سرپرستی امور دانشجویی) قرق کرد و بست و به پشت صحنه «آموزگاران» هجوم برد و نویسنده و کارگردان را در میان اعتراض تماشاگران دست بند زده، روانه زندان کرد.



در سال (۱۳۵۱) به جرم پخش گسترده کتاب «نوعی از هنر، نوعی از اندیشه»- که نقدی اجتماعی و جامعه شناختی از هنر، به مفهوم عام و تئاتر به طور خاص است- بازداشت شد و چهل روز در سلول انفرادی ماند. در سال (۱۳۵۳) نیز به جرم پخش مجموعه شعرش با عنوان «آوازهای بند» دست گیر و در سلول های انفرادی شکنجه شد. هفت ماه شکنجه های «اقراری»، «انتقامی» و «جیره ای»، نتیجه اش، بیست و یک روز معالجه روی تخت بیمارستان شهربانی ساواک بود. اما مداوا نیمه تمام ماند. او را با پای جراحی نشده، به سلول باز گرداندند و دوباره شکنجه... شکنجه... شکنجه...!

در نهایت، بی دادگاه های رژیم او را به سه سال زندان محکوم کردند که در «قصر» و «اوین» گذشت. اشعار دفتر «از کشتارگاه» حاصل این ایام است.

او بعد از آزادی به خارج از «ایران» رفت و کمیته «از زندان تا تبعید» را در سال (۱۳۵۶) تشکیل داد. در زمستان (۱۳۵۷) بعد از پیروزی دلیرانه مردم علیه رژیم شاه، به وطن بازگشت.

سرانجام او را در شب عروسی اش (فروردین ۱۳۶۰) [حمل] بازداشت و در ۳۱ اردی بهشت [ثور] همان سال، تیرباران کردند.



از آثار دیگر «سلطانپور» می توان به نمایشنامه «حسنک» و هم چنین کتاب «ریشه های تنا تر و نگاهی به نمایش در ایران» اشاره کرد.
در این جا، شعر «رودخانه» - از مجموعه «از کشتارگاه» اش- را با هم می خوانیم:

رودخانه

رودخانه کاکل افکنده به راه خویش
پیش می راند
می خورد سیلی
می خرد پرخاش
به راهی این چنین دشوار
موج موجش را زدست سنگ
می رهااند
در دو سویش باد چنگ افکنده در پائیز
کهکشان سوگوار برگ در راهش می افشاند
با چنین دل سردی و سختی
رودخانه سر به سنگ و صخره می کوبد سرودش را به راه خویش می خواند
گوئیا او را قراری با عمیق آبی دریاست
کاین چنین سر می کشد از قلّه امواج
لحظه ای در دوردستان خیره می ماند
و فرو می ریزد آن گه خنده هایش
موج روی موج
از روان خنده های روشنش پیداست
راه خود را می داند
قطره می بارد، قطار چشم

روی یال موج هایش می نشاند
رود سرسختی
بوسه دریا دلی را با لب دریا شکستن، می تواند

من نشسته در کنار رود
روی سنگ
پیش رویم برگ های سوخته با باد می چرخند
کار من
- واگویه دارم -

خسته و دل تنگ

رود را ماند
در کنارم رود
سر به سنگ و صخره می کوبد
سرودش را به راه خویش می خواند!

